بسم الله الرحمن الرحیم درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری 26 دی 1394

خب در مورد آن سند روایت صحبت می کردیم یک بار دیگر من این سند روایت را بخوانم. حمید بن زیاد عن الحسن بن محمد که مراد از حسن بن محمد در روایت های حمید بن زیاد، حسن بن محمد بن سماعه است. عن علی بن حسن بن رباط عن محمد بن سکین و علی بن ابی حمزه عن مشمعل و عن ابن رباط عن مشمعل کلهم عن ابی بصیر قال قرء علیّ ابو جعفر علیه السلام. خب در اینجا دو نسخه در کافی وارد شده است. عن محمد بن سکین و علی بن ابی حمزه، این تعبیر و علی بن ابی حمزه، در اکثر نسخ به این شکل وارد شده است. در چاپ دار الحدیث گزارش نسخ را که می دهد می گوید که در هشت تا مخطوته و چاپ قبلی و وسائل به شکل و علی بن ابی حمزه است. و از دو تا مختوط به جای و علی بن ابی حمزه، عن علی بن حمزه نقل کرده استت. خب اگر این عن علی بن ابی حمزه باشد، در اینکه عبارت محرف است و تحریفی در سند رخ داده است بحثی نیست. محمد بن سکین عن علی بن ابی حمزه عن مشمعل، و عن ابن رباط عن مشمعل کلهم عن ابی بصیر خب غلط است. نتیجه آن مطلب این می شود که مشمعل فقط از ابی بصیر یعنی سند آخر قبلی به مشمعل منتهی می شود و این یکی هم به مشمعل منتهی می شود این نیست که غلطی رخ داده است. ولی ما آنجا اجتمال اینکه محرف است به چه شکل محرف است، یک احتمال دیگر مطرح کردیم آن این است که عن محمد بن سکین عن علی بن ابی حمزه و مشمعل عن ابی بصیر. به جای اینکه واو قبل از و علی بن ابی حمزه باشد این واو بعد از علی بن ابی حمزه احتمال دادیم که باشد. بنابراین، خب یک احتمال سومی اینجا وجود دارد که در

سوال: طبق این احتمال دو طریق می شود؟

پاسخ: نهایتش حالا عرض می کنم دو طریق می شود.

یک احتمال سومی وجود دارد که دیروز آن احتمال را طرح کردیم و مناقشاتی که به آن احتمال بود را برطرف کردیم آن این است که عن محمد بن سکین و علی بن ابی حمزه و مشمعل، این سه تا و عن ابن رباط عن مشمعل، کلهم عن ابی بصیر. خب در واقع اینجا در اینکه این نسخه معروفی که نسخه اکثر نسخ، محمد بن سکین و علی بن ابی حمزه عن مشمعل، این یک جورش این هست که آن اول نسخه را ببینیم چجوری اصلا مفاد سند چیست و یک جورش این است که بگوییم علی بن حسن بن رباط از دو نفر نقل می کند و محمد بن سکین و علی بن ابی حمزه. این دو تا از مشمعل نقل می کنند و مشمعل عن ابی بصیر نقل می کند. خب این مشکلی که دارد همان مشکل چیز قبلی باز تکرار می شود نتیجه بحث این می شود که مشمعل آخر سند هست و کلهم دیگر ندارد. یک جورش این هست که یک مشکل، این مشکل را می شود یک جوری حل کرد ولی یک مشکل دیگری در سند وجود دارد که آن را باید دید که چه کار کرد. مشکل این است که نتیجه این مطلب که علی بن ابی حمزه به توسط مشمعل از ابی بصیر این روایت را نقل کرده است که هیچ جا علی بن ابی حمزه همه جا مستقیم هست به خصوص این روایت را هم قبلا گفتیم خود همین روایت را در نقلیات متعدد مستقیم از ابی بصیر نقل کرده است. اینکه باز بخواهد واسطه واقع شود مستبعد است. البته آن مشکل کلهم را یک جورکی ممکن بود حلش کنیم. آن این است که بگوییم که علی بن ابی حمزه عن مشمعل، اثن دو نفر عطف به محمد بن سکین تنهایی است. ببینید گاهی اوقات تحویلاتی در سند رخ می دهد این است که دو نفر مثلا عطف به یک نفر می شوند. مثلا این سند را یادداشت کنید. **ابن ابی عمیر عن معاویه بن عمار و حماد عن الحلبی عن ابی عبدالله علیه السلام.** مفاد این سند چیست؟ اینجا حماد عن الحلبی این دو نفر جای معاویه بن عمار هستند. قرائن و استدلالاتش را نمی خواهم وارد بحث شوم. می خواهم بگویم گاهی اوقات مثلا حماد عن الحلبی جمیعا هم ممکن است آخرش ذکر شده باشد که دیگر این احتمال را روشن تر کند. حماد عن الحلبی، که دو نفر هستند گاهی اوقات جای یک نفر را پر می کنند که معاویه بن عمار باشد. این یک مدل تحویل است که می گوییم عطف دو طبقه بر یک طبقه. گاهی اوقات اینجوری رخ می دهد. خب حالا اینجا علی بن ابی حمزه عن مشمعل را اگر ما بگوییم این عطف بر محمد بن سکین است دو نفری. یعنی علی بن حسن بن رباط از ابی بصیر یک بار به توسط محمد بن سکین تنهایی نقل می کند و یک بار به توسط علی بن ابی حمزه عن مشمعل نقل میکند یعنی یک طریق یک واسطه ای دارد و یک طریق دو واسطه ای. خب میماند مشکل کلهم، که کلهم را اینجوری حل کنیم که گاهی اوقات در جایی که دو نفر هم باشد کلهم اطلاق شده است. که آدرسش را در حاشیه آن چاپ دار الحدیث آدرسش هست. یک سندی که کلهم در دو نفر به کار رفته است آنجا مراجعه کنید هست. ولی مشکل واسطه شدن مشمعل بین علی بن ابی حمزه و ابی بصیر دیگر حل نمی شود. علاوه بر اینکه همان اینکه کلهم در دو نفر به کار رفته است ولو در یک سند نادر دیگری هم پیدا می شود ولی به طور طبیعی کلهم باید به سه نفر اطلاق شود. اما آن احتمال دیگری که ما اینجا مطرح کردیم، محمد بن سکین عن علی بن ابی حمزه و مشمعل، این بگوییم هست. محمد بن سکین عن علی بن ابی حمزه و مشمعل. خب این مشکل کلهم هنوز هست ها. مشکل کلهم چون دو نفر هست. حالا یک جورکی این مشکل کلهم را بخواهیم حل کنیم. ولی ببینیم اصلا قرینه ای که ما این شکلی سند را بگوییم محمد بن سکین عن علی بن ابی حمزه و مشمعل به چه خاطر این شکلی سند را معنا کردیم؟ اصلا منشأ آن احتمال چیست. برای اینکه منشأ آن احتمال روشن شود من در جلسه قبل یک سری سند هایی که منشأ آن احتمال را روشن می کند را ذکر کردم که دوستان مراجعه کنند. یک سری سندهایی هست از ابی بصیر و غیر ابی بصیر در کتاب میراث، این سندها اولا همه شون در مورد سوال اقسام ارث هست پنج شش روایت هست اقسام ارث است همه شان یک جایشان گیر دارد یک قرابت و چیزهایی در اینها هست ولی از جهاتی اینها به همدیگر شباهت هم دارند یعنی این سند ها را که کنار هم بگذاریم هم شباهت هایی دارند ولی همه شان یک جایشان می لنگد. ما می خواستیم بگوییم این سند ها را اگر کنار هم قرار دهیم و با هم دیگر این سند ها را غلط هایش را بگیریم با توجه به مجموع اینها غلط هایش را بگیریم ممکن است از این مجموعه نتیجه ای بگیریم که آن نتیجه به درد این سند مورد بحث ها بخورد. خب آن سندهایش را من الآن می خوانم کل آن سندهایی که در این بحث، من هفت سند اینجا یادداشت کرده ام این سند ها را می خوانم یادداشت کنید بعد در مورد این سندها صحبت کنیم. سند اول

**الحسن بن محمد بن سماعه عن علی بن سکین عن مشمعل بن سعد عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام فی رجل ترک ابویه و اخوته**

این روایت اول تهذیب جلد 9 صفحه 283 رقم 1024. روایت دوم

**الحسن بن محمد بن سماعه عن علی بن حسن بن حماد عن ابن سکین عن مشمعل بن سعد عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام فی رجل ترک ابویه**

آن ابویه و اخوته بود این ابویه خالی است. التهذیب جلد 9 صفحه 269 حدیث 979. شش تا از این روایت هایش مربوط به باب ارث هست و همه اش هم سوال است یک صورت مسئله ذکر می کند و پاسخ اینکه اگر وارث ما این چند نفر باشد ارثشان چطوری تقسیم می شود همه شان از امام صادق یا از امام باقر سوال شده است یک مسئله ارثیه را سوال کرده است. من این ترتیبی که این روایات را داده ام هم از جهت متنی ملاحظه کرده ام و هم از جهت سندی. سندهایی که از جهت های سندی شبیه هم بودند و از جهت متنی هم یکنوع، مجموع این دو را با هم دیجگر در نظر گرفته ام این ترتیب را چیده ام. یعنی چینش اینها هم خودش در این بحث مهم است. هفتمی از جهت سندی ولو مربوط به این بحث ارث نیست ولی اول آن شش تای مربوط به ارث را ذکر کرده ام هفتمی هم که از جهت سندی شباهتی با یکی از این سند ها دارد آن را هم برای توضیح اینها آورده ام. خب سند دوم الحسن بن محمد بن سماعه عن علی بن حسن بن حماد عن ابن سکین عن مشمعل بن سعد عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام بود که فی رجل ترک ابویه، این آدرس این است تهذیب جلد 9 صفحه 269 رقم 979. این روایت در کافی هم وارد شده است. در کافی هم از حسن بن محمد به بعدش عین هم است. عین همین است. اینجا آن حسن بن محمد بن سماعه اول سند بود در کافی جلد 7 صفحه 91 رقم 3 حسن بن محمد خالی است که همان حسن بن محمد بن سماعه است که راوی اش حمید است که همان حسن بن محمدش هم همان حسن بن محمد بن سماعه است. سند کافی و تهذیب مثل هم هستند.

سوال: چرا تهذیب حذف شده است؟

پاسخ: حذف نشده است آن از کتاب حسن بن محمد بن سماعه اخذ کرده است و به حسن بن محمد بن سماعه طریق داشته است و از آنجا نقل کرده است. حسن بن محمد بن سماعه کتاب ارث دارد یکی از منابع تهذیب خود کتاب حسن بن ممحد بن سماعه است. خب این هم دو. سومی

**الحسن بن محمد بن سماعه عن علی بن حسن بن حماد بن میمون عن اسحاق بن عمار عن ابی عبدالله علیه السلام فی رجل مات و ترک ابویه و اخوه لأمٍ**

تهذیب جلد 9 صفحه 284 رقم 1026. ببینید سه تا روایت از جهت متنی خیلی نزدیک بودند یکی جایی که وارث فقط أب باشد. یکی جایی که علاوه بر أب یک اخوه، اخوه که منصرف به اخوه أبی است، آن همراهش باشد یکی اینکه اخوه أمی همراه باشد. سه تا مسئله کاملا نزدیک به هم از جهت سندی هم می بینید که همه را هم حسن بن محمد بن سماعه بعدش از یک کسی به نام علی نام نقل می کند. خب سند چهارم الحسن بن محمد بن سماعه عن محمد بن سکین. حالا این چهارم را بکنیم شیشم یک قدری ترتیبش را عوض کنم. که از یک جهتی بهتر باشد. خب چهارم این باشد.

**الحسن بن محمد بن سماعه عن علی بن محمد بن سکین عن نوح بن دراج عن عقبه بن بشیر عن ابی جعفر علیه السلام فی رجل مات و ترک زوجته و ابویه**

تهذیب جلد 9 صفحه 286 رقم 1039. این علی بن محمد بن سکین در استبصار علی عن محمد بن سکین است. متن این روایت هم فی رجل مات و ترک زوجته و ابویه. این را هم می بینید از جهت متنی باز شبیه آنهاست. سوال این است ابویه با زوجته این سه تا ابویه بود این هم باز ابویه است. آن سه تا از امام صادق بود این از امام باقر علیه السلام بود. من قبلا روایت های امام صادق را اول کرده بودم بعد امام باقر بعد الآن به نظرم رسید که یک قدری ترتیب متنی را لحاظ کنیم شاید راحت تر باشد این است که ترتیب عوض کردم به خاطر این بود که روایت های، ولو چیزش تغییر می کند عیب ندارد.

روایت پنجم این هست

**حسن بن محمد بن سماعه عن علی بن محمد عن محمد بن سکین عن علاء عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر علیه السلام قال قلت له بنات أخ و ابن أخ**

تهذیب جلد 9 صفحه 323 رقم 1159. این هم سند پنجم.

سند ششم

**الحسن بن محمد بن سماعه عن محمد بن سکین عن اسحاق بن عمار عن ابی عبدالله علیه السلام قال ابن الابن یقوم مقام أبیه**

که کافی جلد 7 صفحه 88 رقم 2. آن پنج تا اول همه در تهذیب بودند. این شیشمی در تهذیب نیست کافی است. ابن الأبن یقوم مقام أبیه. این هم شش تا  
هفتمی هم در تهذیب یک جای دیگر هست این را هم یادداشت کنید بعد بیایم روی بحثش

**لْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَكَنٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ وَضَّاحٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ ثَمَنُ الْعَذِرَةِ مِنَ السُّحْتِ**

التهذیب جلد 6 صفحه 372 رقم 1080. یکی از نکاتی که در بحث های سندی خیلی مهم است خیلی وقت ها من سبکم اینجوری است بحث های سندی را که می خواهم دنبال کنم مثلا گاهی اوقات بیست تا سند هست سعی می کنم این سند های مشابه هم، سند هایی که به هم دیگر نزدیک هستند و می توانند قرینه هم دیگر قرار گیرند کنار هم قرار می دهم. یکی از بحث ها هم نحوه چینش اینها است. در بعضی از، در مقاله ای در مورد حسن بن ابی الحسن الفارسی یا حسن بن ابی الحسین الفارسی، یکی از کارهایی که آنجا کردم اینکه سند هایی که این راوی دارد، هر مقدار شباهت هایشان بیشتر هست اینها را بیشتر کنار هم بگذارید آن وقت با کنار هم قرار دادن این سند ها راحت تر می شو بحث هایش را دنبال کرد. البته خب یک مقداریش ذوقی است. دیگر خیلی دقیق نمی شود ولی بالاخره تا حد امکان سعی می کنیم روایت هایی که از جهت سندی شبیه هم هستند کنار هم باشند تا راحت تر بشود بحث کرد. خب این هفت سند را در نظر بگیرید، این کسی به نام الحسن بن محمد بن سماعه در سند اول، از کسی به نام علی بن سکین اینجا نقل می کند. ما علی بن سکین هیچ جایی علی بن سکین نداریم. فقط یک جایی علی بن سکن داریم که همین حسن بن محمد بن سماعه از او نقل می کند که روایت هفتم ما است. روایت هفتم ما علی بن سکن است. جاهای دیگر اصلا علی بن سکین در اسناد وارد نشده است. یک دانه علی بن سکین من دیده ام در بحار جلد 92، علی بن مسکین هم هست سکین نیست. جلد 92 صفحه 220 صفحه 17 علی ابن مسکین هست که از طب الائمه نقل می کند در نسخه چاپی طب الائمه هم به جای مسکین مسکان است. آن هم دیگر اصلا. پس ما اصلا علی بن سکن یا سکین هیچ جای دیگر اینجا نداریم. ول حالا با قطع نظر از اینکه از عبدالله بن وضاح بخواهد روایت کند یا از مشمعل بن سعد بخواهد روایت کند یا نکند. من به نظرم می رسید که این علی بن سکین باید تصحیف علی عن ابن سکین باشد. یک عن بین علی و بن سکین باید افتاده باشد. به قرینه آن روایت چهارمی. حسن بن محمد بن سماعه عن علی بن محمد بن سکین، که در استبصار علی عن محمد بن سکین هست، که، این علی، همین علی بن حسن بن رباطی است که در این سند بحث ما وجود دارد که در این سند مورد بحث ما این علی بن حسن بن رباط از محمد بن سکین نقل می کند. چون علی بن محمد بن سکین هم وجود خارجی ندارد. یعنی این هفت هشت تا سندی که من ذکر کردم همه شان گیر دارند. یعنی همه شان یک جایش مشکل دارد. من احتمال می دهم که حسن بن محمد بن سماعه خیلی بد خط بوده است و امثال اینها یک همچین چیزی که خیلی خواندن نسخه کتابش سخت بوده است این است که همه سندهایش مشکل دارد باید یک همچین چیزی باشد مثلا خط کتابش راحت خوانده نمی شده است این است که این همه تعبیرات عجیب و قریب و امثال اینها در اینها پیدا کردن خالی از بعد نیست.

سوال: این علی بن رباط فرمودین،.. علی بن رباط است این راوی از ابن سکین است؟

پاسخ: همنیجا در روایت مورد بحث ما هست دیگر.

سوال: کثرت دارد؟

پاسخ: نه اینها کثرت ندارند مشکلی که ما در این بحث داریم این است که اصلا محمد بن سکین و اینها راوی پر روایتی نیستند یعنی مشکل ما در این بحث این است. من اصلا احتمال می دهم که علتی هم که تحریفات در آنها رخ داده است به این علت بوده است که این ها راویان پر روایتی نبوده اند و روات درست نمی شناختند با شناختی که از خود روات داشته باشند بتوانند سند ها را جفت و جور کنند. مشکل این غلط هایی که اینجا رخ داده است این است که این روات روایت هایشان همین است دیگر. بد نیست که در پرانتز این را بگویم این مشمعل بن سعد یک برادر دارد به نام حکم. می گوید که حکم از مشمعل کم روایت تر است. خود این مشمعل که مثلا از برادرش پرروایت تر هست، کل روایت هایش به ده پانزده تا نمی رسد. آن حکم که یک روایت هم در سند موجود ما از او پیدا نکردم. این ها راویان کم روایتی هستند که به هر حال این راویان کم روایت این جور تحریفات و تصحیفات در نام هایشان خیلی طبیعی است. اینجوری که شاید این شکلی باشد که بگوییم آن علی بن محمد بن سکین، علی؛

ببینید من در واقع این تحریفات را که می خواهم دنبال کنم یکی دو تا نکته در این بحث ما هست. یکی اینکه باید قواعد تحریف با این تحریفات سازگار باشد. یعنی اینجور نیست که همینجوری بر اساس قواعد تحریف اگر ادعای تحریف می کنیم باید جوری باشد که طبیعی باشد این تحریف این یک نکته. یکی دیگر اینکه سازگار کردن این سند ها خب اینکه یک نام عجیب و غریبی که هیچ جایی وجود خارجی نداشته باشد و در سندها واقع باشد، این احتمالش از احتمال تحریفی که به قواعد تحریف در سند ها باشد ضعیف تر است. یک زمانی تحریف را با قواعد تحریف قائل نمی شویم آن نه آن درست نیست. تحریفی که قواعد تحریف با آن سازگار باشد. اگر سند علی عن ابن سکین باشد به دلیل اینکه هم علی نامی است، این تعبیر علی خالی، متعارف سند ها لااقل اسم اسم پدر است دیگر، علی خالی خیلی غریب است. ابن سکین، این هم تعبیر غریبی است. این که دو تا تعبیر غریب، علی عن ابن سکین، خیلی وقت ها باعث می شود که روات این دو را در هم درج کنند و یک تعبیر علی بن سکین ایجاد کنند که این علی بن سکین طبق متعارف است. یعنی تعبیر علی عن ابن سکین به علی بن سکین، طبق قاعده اصلی باب تحریف که تبدیل نامأنوس به مأنوس است. یعنی دقیقا بر اساس آن روند طبیعی تحریف این ادعا صورت می گیرد.

سوال:....

پاسخ: بله از ابن رباط خیلی حسن بن محمد بن سماعه روایت دارد. ولی به این شکل علی. تعبیر علی را می خواهم بگویم. یعنی عن علی گفتنش کم است. اصلا علی در اسناد، بحث اینکه یک راوی تک نامی باشد. علی، محمد، حسن، حسین، اینها کم است. متعارفی که در سند ها هست دو نامی است. علی بن ابراهیم، محمد بن عیسی، حسن بن محبوب، این جور تعبیر ها. تعبیر علی خالی یا حسن خالی غریب است. از آن طرف ابن سکین هم نا مأنوس است. حالا بعضی افراد هستند که مثلا خودشان ابن القداح، خب شخص معروفی است به این عنوان خب بله. ولی ابن سکین خودش تعبیر نامأنوسی است. دقیقا نامأنوس بودن زمینه اینکه این دو را با هم تحریف کند را فراهم می کند. خب این هم این یکی. یک سند دیگری اینجا داریم، سند پنجم را هم ملاحظه بفرمایید،

**حسن بن محمد بن سماعه عن علی بن محمد عن محمد بن سکین.**

به نظر می رسد که بن محمد اش تصحیف عن محمد باشد. ببینید یکی از تحریفات شایعی که در سندها زیاد اتفاق می افتاده است.

سوال:...

پاسخ: می خواهیم بگوییم در این سند بن محمد زیادی است. و این هم دقیقا مثل سند چهارم است. پنجم مثل چهارم است و چهارم هم مثل اول است. یعنی اینها را همه می خواهیم مشابه هم کنیم. خب چطور؟ اولا حسن بن محمد بن سماعه از علی بن محمد نامی نقل ندارد. اینکه بن محمد این جا تحریف عن محمد، چطوری زیاد ممکن است شده باشد؟ یکی از روش های تحریف این است یک نامی گاهی اوقات به نام مشابهی تبدیل می شود و بعد آن نام مشابه در حاشیه به عنوان نسخه بدل نوشته می شود. بعد به تخیل اینکه این نسخه اصلی هست وارد متن می شود. فرض کنید که شما می بینید حسن بن محبوب در نسخه شده است حسین بن محبوب. این چیست؟ این حسن گاهی اوقات در یک نسخه حسین می شود. این حسین را در حاشیه می نوشتند به عنوان اینکه این حسن نسخه بدلش حسین است. ناسخ بعدی خیال می کند این حسین از متن ساقط شده است و داخل متن می کند و تبدیل می شود به حسن بن حسین بن محبوب. یکی از تحریفات خیلی شایع جمع بین سخه صحیح و نسخه محرف است. روند تبدیلش هم این است که اول نسخه صحیح به نسخه محرف تحریف می شود. عبارت تحریف شده در حاشیه به عنوان نسخه بدل نوشته می شود بعد به تخیل اینکه این قسمتی از متن هست در نسخه های متأخل داخل در متن می شود. اینجا عن محمد بن سکین می تواند در بعضی نسخ به بن محمد بن سکین تبدیل شده باشد کما اینکه در همان سند چهار ما در تهذیب همین جور شده است دیگر. در تهذیب ما می گفتیم علی عن محمد بن سکین است. در استبصار علی عن محمد بن سکین بود. در تهذیب علی بن محمد بن سکین بود. عن محمد تبدیل شده است به بن محمد . این تبدیل دقیقا در سند چهارم رخ داده است. در سند چهارم بین نسخه تهذیب و استبصار وقتی مقایسه می کنیم می بینیم نسخه عن محمد که در استبصار هست در تهذیب بن محمد شده است. خب این عن محمد که بن محمد شده است، این بن محمد اگر در حاشیه رود و دوباره به متن بیاید می شود علی بن محمد عن محمد بن سکین. دقیقا روش طبیعی تحریفات همین جور می شود. خب سند اینجور می شود می خواهیم بگوییم این سند اول و سند چهارم و پنجم همه این شکلی بوده است. حسن بن محمد بن سماعه عن علی عن محمد بن سکین یا عن ابن سکین، آن سند اول را ما به جای محمد بن سکین می خواهیم بگوییم حالا یا ابن سکین بگویید یا محمد بن سکین آن خیلی، ابن سکین هم بگویید مرادش همین؛

خب اینها تا اینجا.

سوال: یعنی احتمالش وجود ندارد که اصلش علی بن محمد عن محمد بن سکین درست بوده است و بعد...

پاسخ: نداریم علی بن محمد

سوال....

پاسخ: اینکه کسی به نام علی بن محمد در این جا واقع نیست. نه راوی محمد بن سکین در آن علی بن محمد جای دیگر است. نه شیخ حسن بن محمد بن سماعه، اینها باید یک چیزی باشد یک جایی باشد یک اثری باشد در حالی که

سوال: علی خالی چه می شود؟

پاسخ: خب علی خالی همان علی بن حسن بن رباط است. علی بن حسن بن رباط به دلیل اینکه حسن بن محمد بن سماعه از او خیلی روایت دارد. خب علی خالی تعبیر کرده است. و اینها علی خالی تعبیر کردنش هم به اعتماد سند قبل است. ببینید همین سند مورد بحث ما، ممکن است همین سند مورد بحث ما قبل از سند های مورد بحث، حسن بن محمد عن علی بن حسن بن رباط عن محمد بن سکین. همین سند را شما سند قبل در نظر بگیرید، سند بعدی اش را، علی بن حسن بن رباط را علی کرده است تخفیفا. محمد بن سکین را حالا یا محمد بن سکین کرده است یا ابن سکین کرده است. هر دو اینها می تواند دقیقا به اعتماد همین سند مورد بحث ما تبدیل شده باشد. یعنی این سند مورد بحث ما در این مجموعه قرار می گیرد. حالا سند مورد بحث ما از جاهای دیگرش هم گیر دارد آن گیر های بعدی اش را فعلا اضافه به چیز نکنیم. آن قسمت اول سند تا محمد بن سکین را در نظر بگیرید آن خودش یک، اینجا هم

سوال: برای شما جزم آورده؟!!!

پاسخ: من مطمئنم. مطمئن هستم که یک همچین چیزهایی هست.

سوال:...

پاسخ: من مطمئنم که همین چیز ها است. حالا بعضی جاهایش یک احتمالات فی الجمله ای هم وجود دارد. به خصوص ببینید یک نکته ای که اینجا وجود دارد این است که این سند ها دقیقا سندهایی هستند که عین هم هستند متن هایشان. یعنی به طور طبیعی اینها باید در کتاب حسن بن محمد بن سماعه زیر هم باشند. به طور طبیعی اگر کتاب حسن بن محمد بن سماعه یک کتابی باشد که طبیعت تألیف را رعایت کرده باشد، که اینها نویسندگانی هستند که نظم را تألیف روایت می کنند. باید دقیقا این روایت های ما زیر هم باشد. و کاملا طبیعی است یعنی این چیزهایی که می خواهم بگویم چیزهایی هست که شاید عرض کردم در جلسه قبل کسانی که با تحریفات سندی آشنا نباشند اصلا این جور چیزها را، حالا اینها که هیچی اینها که سند های پیچیده است، سندهای ساده ای که هیچ تردیدی در تحریف آنها نیست آنها را رم می کنند و می پرند. کسی در معجم رجال آقای خویی این اختلاف کتب و اختلاف نسخی که ایشان مطرح می کنند را یک مقداری ببیند نحوه تبدیلاتی که در این اختلاف نسخ و اینها هست و اختلاف کتب را که ببیند خیلی وقت ها برایش خیلی از این بحث های تصحیفات و تحریفات طبیعی تر و روشن تر می شود. اینها نیاز به یک شناخت، حالا یک نکته ای در پرانتز عرض کنم وقت گذشته بقیه بحث را می گذارم فردا. آقای سیستانی در قاعده لا ضررشان در مورد یک بحث خیلی خوبی دارند در مورد اینکه عبارت صحیح چیست. بحث های اینکه لا ضرر و لا ضرار علی مؤمن هست یا فی الاسلام دارد یا خیر خیلی بحث های خوب و سودمند است. من به حاج آقا عرض می کردم این درس ها با وجود خوبی زیادی که دارد یک نکته ای کلا در این بحث ها هست. پیدا است که کسی که این بحث ها را می کند نسخه خطی خیلی ور نرفته باشد. یعنی کسی که نسخه خطی ور رفته باشد بعضی وقت ها یک مقداری مدل بحث فرق می کند. آن بحث های نسخه خطیانه، در بحث های تحریفات و اینها آشنایی با نسخ خطی خیلی مهم است که آدم بداند نسخه بدل ها به چه شکل است. نسخه بدل ها به چه شکل است اصلا من یک پیشنهادی که به بعضی از دوستان می کنم اینکه این چاپ دار الحدیث که نسخه های کافی را خیلی هایش را ذکر کرده است ببینند که تبدیلات نسخ چه شکلی است. در این تبدیلات و چیزها هست که خیلی وقت ها اشخاص می توانند بفهمند که چه نکاتی رخ می دهد. این نکته را توجه بفرمایید که فقط تحریفات خیلی شایع هم هست. ولی یک روال و روند دارد. یعنی قواعدی دارد همین جوری هر چیزی به هر چیزی تبدیل نمی شود. این است که ما بیش از همه این قواعد را از نسخه بدل ها در آورده ایم. نسخه بدل های مختلفی که پیداست بعضی هایش تحریف دیگری است، این نسخه بدل ها ما را به یک سری قواعد تحریف راهنمایی کرده است. بعد این قواعد را در جاهایی که نسخه بدل ندارد تطبیق می کنیم. یعنی اصل قواعد و نحوه کشف آنها از نسخه بدل ها و امثال اینها است. و کسی اگر بخواهد با این ضوابط آشنا شود باید یک مقداری با این نسخه بدل ها و امثال اینها آشنا شود تا این مباحث را بتواند دنبال کند. حالا همین مقدار امروز کافی است شما این سند ها را یک مقداری با دقت بیشتری ملاحظه بفرمایید و خودتان بقیه سند ها را یک مقداری حدس و گمان بزنید تا فردا بحث را دنبال کنیم. این بحثهایش چیزی که برایم مهم است بیشتر روش کار است. این بحث ها خیلی شاید در نتیجه گیری فقهی ما مؤثر نیست چون نمی خواهم الزاما بخواهم یک نتیجه گیری کنیم. ما می خواهیم اگر یک مشابهاتی پیدا شود چجوری کار کنیم و نحوه کار کردن را یاد دهیم این است که اگر یک مقداری معطل می شویم بر ما ببخشید.

سوال: علی بن ابی حمزه یک جا به واسطه پدرش از ابی بصیر نقل میکند یکی دو مورد بعد نمی شود بگوییم مشمعل هم بگوییم..

پاسخ: آنها هم بحث هایی دارد که بعدا عرض می کنم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد